

سلسله درس های محدودیت

حلقه دوازدهم

دعا و اجابت

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدیدآور: دعا و اجابت؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقهٔ دوازدهم / سید محمد بنی‌هاشمی.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
 شابک جلد دوازدهم: ۰ - ۲۲۲ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 شابک دوره: ۲ - ۱۵۸ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۸۳ / BP ۲۲۴
 رده‌بندی دیوینی: ۴۶۲ / ۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۰ - ۲۲۲ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 222 - 0

دعا و اجابت

سلسله درس‌های مهدویت (۱۲)
 سید محمد بنی‌هاشمی
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰
 تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
 حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
 چاپ: زنیق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۷۷۵۲۱۸ (خط ۶)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۱ ۶۶۸۰۱۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۵۵۵۱۸۴۸ - ۰۴۱۱ * اهواز (ارشاد) ۲۲۱۷۰۰۱ - ۰۶۱۱ * مشهد ۲۲۵۷۲۵۷ - ۰۵۱۱
 شیراز (شاهچراغ) ۲۲۲۱۹۱۶ - ۰۷۱۱ * اصفهان (مهر قائم) ۲۲۲۱۹۹۵ - ۰۳۱۱ * دزفول (معراج) ۲۲۶۱۸۲۱ - ۰۶۴۱

۳۳۰۰ تومان



این حلقه به نیابت از:
احیاگر مکتب سامراء
میرزا محمد حسن شیرازی رحمته الله
به پیشگاه:
یار باوفای سیدالشهدا علیه السلام
جناب حبیب بن مظاهر اسدی رحمته الله
تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

۱۳	فصل اول: جایگاه اعتقادی دعا
۱۳	درس اول: شناخت حقیقت دعا
۱۳	معنای دقیق عبادت
۱۷	دعا: برترین عبادت
۱۹	سؤال به همراه دعا
۲۱	درس دوم: فضیلت دعا
۲۱	محبوب‌ترین و مبعوض‌ترین عمل
۲۳	فضل الهی در فتح باب دعا
۲۵	بالاترین تقرب به خدا از طریق اهل دعا شدن
۳۰	درس سوم: دعا، تجلی عبودیت (۱)
۳۰	انگیزه دعا: محتاج دیدن خود به خداوند
۳۲	دعا: مغز عبادت
۳۳	تعمیم دعا به امور کوچک و بزرگ
۳۸	درس چهارم: دعا، تجلی عبودیت (۲)
۳۸	یکسان بودن حال بلا و عافیت در لزوم دعا



۸۸	دفع بلا از اهل دعا
۹۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۶ تا ۹
۹۱	فصل سوم: اجابت دعا
۹۱	درس دهم: انواع اجابت (۱)
۹۱	معنای عامّ اجابت
۹۴	انواع اجابت مثبت
۹۴	۱ - برآوردن حاجت در دنیا
۹۵	۲ - عطای بهتر
۹۶	۳ - رفع بلا یا دفع شر
۹۸	۴ - کفّاره گناهان
۹۹	درس یازدهم: انواع اجابت (۲)
۹۹	۵ - ذخیره آخرت
۱۰۴	اجابت نکردن مثبت دعا
۱۰۶	تعلیل منفی در اجابت دعا
۱۰۸	درس دوازدهم: تحقق وعده اجابت
۱۰۸	تأخیر در اجابت دعا
۱۰۹	انواع تأخیر در اجابت
۱۱۲	نهی از استعجال در اجابت دعا
۱۱۵	باز بودن باب اجابت دعا
۱۱۸	مخفی بودن اجابت در دعاها
۱۲۱	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۲
۱۲۲	درس سیزدهم: شرایط اجابت (۱)
۱۲۲	معنای مشروط بودن اجابت
۱۲۳	شرط اول دعا کننده : معرفت خداوند

۴۱	برتری دعا بر تلاوت قرآن
۴۳	الهام و اعطای دعا
۴۵	درس پنجم: اهتمام به امر دعا
۴۵	ترک دعا، معصیت و گناه
۴۶	لزوم فراگیر شدن دعا در همه شؤون زندگی
۴۸	منافات نداشتن دعا با کار و زندگی
۵۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۵
۵۳	فصل دوم: آثار و نتایج دعا
۵۳	درس ششم: آثار دعا (۱)
۵۳	۱ - وسیله پیروزی و مایه دلگرمی (سلاح)
۵۷	۲ - سرازیر شدن روزی
۵۷	روزی مادی و معنوی
۶۰	دعا به همراه تلاش برای تحصیل روزی
۶۵	درس هفتم: آثار دعا (۲)
۶۵	۳ - شفای همه دردها
۶۶	۴ - رسیدن به موفقیت و رستگاری
۶۸	۵ - رفع بلاهای نازل شده
۷۱	وجود و عدم دعا نشانه کوتاه یا بلند بودن مدت بلا
۷۴	درس هشتم: آثار دعا (۳)
۷۴	۶ - دفع بالای مقدر
۷۷	۷ - دفع بالای غیر مقدر
۸۲	درس نهم: آثار دعا (۴)
۸۲	گناه: منشأ بلا و مصیبت
۸۵	طلب مغفرت و عافیت

۱۲۹	درس چهاردهم: شرایط اجابت (۲)
۱۲۹	شرط دوم دعا کننده : تقوا - وفا به عهد الهی
۱۳۶	درس پانزدهم: شرایط اجابت (۳)
۱۳۶	شرط سوم دعا کننده : کسب حلال
۱۴۰	شرط چهارم دعا کننده : دعا در حال عافیت
۱۴۵	درس شانزدهم: شرایط اجابت (۴)
۱۴۵	شرط اول دعا: اقبال قلبی
۱۴۹	شرط دوم دعا: رقت قلب
۱۵۳	پرسش‌های مفهومی از درس ۱۳ تا ۱۶
۱۵۴	درس هفدهم: موانع اجابت (۱)
۱۵۴	اولین مانع اجابت: پاک نبودن دل
۱۵۸	دومین مانع اجابت: حق الناس
۱۶۰	سومین مانع اجابت: گناه
۱۶۴	درس هجدهم: موانع اجابت (۲)
۱۶۴	مانع چهارم اجابت: مخالفت با حکمت
۱۶۶	مانع پنجم اجابت: کوتاهی در ایجاد اسباب
۱۶۹	مانع ششم اجابت: ترک امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۰	مانع هفتم اجابت: اهل شراب یا آلات موسیقی یا قمار بودن
۱۷۱	مانع شدن از اجابت در فرض عدل الهی
۱۷۴	درس نوزدهم: اجابت شونده‌گان (۱)
۱۷۴	۱ - دعا یا نفرین پدر در حق فرزند
۱۷۶	۲ - دعا یا نفرین مظلوم
۱۷۶	۳ - دعا یا نفرین مؤمن در مورد کسی که به او نیکی یا بدی نموده
۱۷۷	۴ - دعای امام عادل در حق رعیت
۱۷۸	۵ - دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش

۱۷۹	۶ - دعای عمره گزار
۱۸۰	۷ - دعای روزه‌دار
۱۸۰	۸ - دعای حج گزار
۱۸۲	درس بیستم: اجابت شونده‌گان (۲)
۱۸۲	۹ - دعای جهاد کننده در راه خدا
۱۸۳	۱۰ - دعای مریض
۱۸۴	۱۱ - دعا پشت سر دیگران
۱۸۷	۱۲ - دعای فقیر مؤمن
۱۸۷	۱۳ - دعای کودکان اُمت پیامبر ۶
۱۸۸	۱۴ - دعای مسافر
۱۸۸	۱۵ - دعای قاری قرآن
۱۹۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۱۹۱	فهرست منابع

فصل ۱

جایگاه اعتقادی دعا

درس اول: شناخت حقیقت دعا

اولین قدم در راه شناخت عمیق و صحیح «دعا»، روشن کردن جایگاه اعتقادی آن در فرهنگ قرآن و روایات است. یکی از بهترین معرّف‌های این جایگاه فرمایش امام باقر علیه السلام است که دعا را برترین عبادت دانسته و فرموده‌اند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ^۱

معنای دقیق عبادت

ابتدا باید معنای «عبادت» به طور دقیق روشن شود تا این حقیقت که دعا برترین عبادات است، روشن گردد. برای روشن شدن معنای «عبادت»، ابتدا به کتابهای لغت عربی مراجعه می‌کنیم.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء و الحث علیه، ح ۱.

از دیدگاه پیشوایان گرانقدر ما مهم‌ترین خطر در زمان غیبت، از دست رفتن ایمان و تباه شدن عقاید صحیح است. به همین جهت با تعبیر مختلف نسبت به لغزش اهل ایمان و لزوم توجّه به راه‌های نجات از این خطر هشدار داده‌اند. هیچ انسان غیرمعصوم ماعمّ از درس خوانده و درس ناخوانده نمی‌تواند خود را از وقوع در آنچه به «هلاکت در عصر غیبت» تعبیر فرموده‌اند، مصون و محفوظ ببیند. از این رو انسان عاقل بیشترین هم و غم خود را در راه شناسایی بیشتر این خطر و راه‌های نجات و مصونیت از آن، صرف می‌نماید.

با رجوع به رهنمودهای گرانقدر امامان علیهم السلام بر ما روشن می‌شود که یکی از راه‌های نجات از هلاکت در زمان غیبت «توفیق دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام» در کنار «قول به امامت ایشان» دانسته شده است. جالب این است که از همین امر یعنی دعا بر تعجیل فرج-تعبیر به «فرج» شده است.

با این ترتیب روشن می‌شود که فرج مؤمنان در زمان غیبت امامشان، در گرو عمل به وظیفه «دعا بر تعجیل فرج» (البته پس از اعتقاد به امامت و دارا بودن معرفت صحیح نسبت به امام علیه السلام) است. این «فرج» شامل خیرات و برکات بسیار زیادی می‌باشد که در رأس همه آنها حفظ و صیانت ایمان شخص منتظر و دعا کننده است.

در این حلقه به توضیح جایگاه اعتقادی دعا در فرهنگ دینی، آثار و نتایج آن، معنای اجابت دعا و شرایط و موانع آن، پرداخته‌ایم.

ابن منظور می‌نویسد:

أَصْلُ الْعِبَادَةِ الْخُضُوعُ وَ التَّذَلُّلُ ... وَلَا يُقَالُ: عَبْدٌ يَعْبُدُ
عِبَادَةً إِلَّا لِمَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى.^۱

اصل عبودیت عبارت از خضوع و خواری است ... و تعبیر «عَبَدَ يَعْبُدُ عِبَادَةً» فقط برای کسی که خدای متعال را عبادت می‌کند، به کار می‌رود.

تعبیر دیگر در معنای «عبادت» چنین است:

الْعِبَادَةُ الطَّاعَةُ وَ نَهَايَةُ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ تَعَالَى.^۲

عبادت عبارت است از اطاعت و بالاترین حد بزرگداشت خدای متعال.

راغب اصفهانی هم در توضیح عبادت چنین می‌گوید:

الْعِبَادَةُ إِظْهَارُ التَّذَلُّلِ وَ الْعِبَادَةُ أَبْلَغُ مِنْهَا لِأَنَّهَا غَايَةُ التَّذَلُّلِ
وَلَا يَسْتَحِقُّهَا إِلَّا مَنْ لَهُ غَايَةُ الْإِفْضَالِ وَ هُوَ اللَّهُ تَعَالَى.^۳

عبودیت اظهار خواری است و عبادت رساتر از آن است چون نهایت و بالاترین حد خواری است و تنها شایسته کسی است که بالاترین فضیلت و برتری را دارد که همانا خدای متعال می‌باشد.

از این بیانات و تعبیر مشابهی که در کتب دیگر لغت و تفسیر وجود

دارد^۱، می‌توان چنین برداشت کرد که «عبادت» عبارت است از خضوع و خواری یا اظهار خضوع و کوچکی، اما نه هر نوع خضوع و خواری، بلکه بالاترین مرتبه اظهار کوچکی و تعظیم در برابر کسی که بالاترین درجه فضیلت را داراست. به همین جهت تصریح کرده‌اند که این تعبیر فقط شایسته خدای متعال می‌باشد و در برابر هیچ مخلوقی چنین خضوع و اظهار کوچکی روا نمی‌باشد. ما می‌توانیم نسبت به برخی از مخلوقات خداوند اظهار کوچکی و تذلل داشته باشیم و حتی ایشان را به طور مطلق و بی‌قید و شرط اطاعت نماییم، اما هیچکدام از اینها «عبادت» آن مخلوقات نمی‌باشد؛ چون تعبیر «غَايَةُ التَّذَلُّلِ» و «نَهَايَةُ التَّعْظِيمِ» و امثال آن در حق ایشان صادق نیست. این مفهوم فقط شایسته کسی است که مستقلاً به خاطر خودش (بدانه) مورد اطاعت و تعظیم قرار می‌گیرد؛ نه به خاطر فرمان و خواست دیگری.

توضیح مطلب این است که ما در برابر برخی از مخلوقات الهی، به حق، اظهار کوچکی و تعظیم می‌کنیم که درجات خضوع در اینها با یکدیگر متفاوت است. مثلاً اظهار خضوع در برابر پدر و مادر با آنچه نسبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و عترت گرامی ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام باید داشته باشیم، کاملاً متفاوت است. ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را به طور مطلق اطاعت و تعظیم می‌کنیم در حالی که لزوم راضی نگه داشتن پدر و مادر مشروط و مقید به این است که آنها از ما انجام معصیتی را طلب نکنند. همچنین انسان به حکم عقل و نقل باید در برابر استاد و معلم خویش اظهار

۱. به عنوان نمونه مراجعه شود به «معجم مقاییس اللغة»، ج ۲، ص ۲۰۸ و نیز

بیان زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۱۳.

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۱.

۲. اقرب الموارد، ج ۳، ص ۴۶۱.

۳. المفردات ص ۳۳۰.

کوچکی و تذلل نماید، اما همه این موارد در یک ویژگی مشترک هستند و آن اینکه ماهیچ یک از این مخلوقات را به خاطر خودایشان و به صورت استقلالی تعظیم نمی‌کنیم و نباید بکنیم، بلکه همه ایشان - اعم از پیامبر ﷺ، ائمه علیهم‌السلام و والدین و ... - را تنها و تنها به خاطر امر الهی و رضای پروردگار، بزرگ می‌داریم و مورد احترام قرار می‌دهیم. همچنین در برابر هر یک فقط در همان حد و قلمروی که خدای متعال فرموده، اظهار کوچکی و تذلل می‌کنیم. دقیقاً به همین سبب است که خضوع و تذلل در برابر هیچ یک از این مخلوقات، «غایة الخضوع» و «نهاية التذلل» نیست. «غایت» و «نهایت» تعبیری هستند که بالاترین حد و درجه را می‌رسانند و اظهار کوچکی در برابر هیچ مخلوقی از مخلوقات الهی، بالاترین مرتبه و درجه خضوع نیست؛ چون آنها را نه به خاطر خودشان بلکه صرفاً به جهت امر خداوند و رضای او مورد تعظیم قرار می‌دهیم. پس تنها کسی که به صورت مستقل و به خودش (بداته) - و نه به سبب دیگری - باید مورد اطاعت باشد و در برابرش خضوع و تذلل صورت پذیرد، همانا ذات مقدس پروردگار است که در این امر شریکی نمی‌پذیرد. این حقیقت همان مفهوم «عبادت» است که تنها شایسته خدای متعال می‌باشد؛ به طوری که می‌گوییم: معبودی جز او نیست و نباید باشد.

حال که مفهوم دقیق «عبادت» با رجوع به کتب لغت و تفسیر روشن گردید، مصادیق آن را می‌توانیم با استناد به کتاب (قرآن) و سنت (احادیث پیامبر ﷺ و عترت گرامی ایشان علیهم‌السلام) شناسایی کنیم. این مصادیق اعمالی هستند که هر کدام به نوعی می‌توانند نشانگر نهایت

خضوع و منتهای کوچکی در برابر خدای متعال باشند. روح همه اینها همان معنایی است که حقیقت عبادت را بیان می‌کند و شکل و ظاهر آنها با هم تفاوت دارند. اعمالی چون نماز، روزه، حج، شکر منعم، احسان به والدین و ... همگی مصادیق عبادت می‌باشند. ما همه اینها را تحت عنوان «اعمال عبادی» می‌شناسیم.

دعا: برترین عبادت

یکی از همین اعمال عبادی «دعا» است که مورد بحث فعلی ما می‌باشد. دعایکی از مظاهر «غایة الخضوع» به پیشگاه خداوند است که به همین جهت نوعی «عبادت» محسوب می‌شود. حال اگر به عمل «دعا» به عنوان یک عبادت توجه کنیم و اظهار خضوع و تعظیمی را که در آن وجود دارد، مورد دقت قرار دهیم، تصدیق می‌کنیم که دعا از جهتی بالاترین مظهر خضوع و اظهار کوچکی به پیشگاه الهی است. بنده در حال دعا کردن، ناداری و ناچیزی خود را در برابر معبودش بهتر از حالات دیگر وجدان می‌کند و آنگاه که خدای خود را می‌خواند، با همه وجود، احتیاج خود را به خالقش اظهار می‌دارد. او در هنگام دعا هیچ تکیه گاه و پناه گاهی جز پروردگار برای خود نمی‌شناسد و به همین انگیزه دست نیاز به درگاه بی‌نیاز او بلند می‌کند.

با توجه به معنای «عبادت» می‌توان گفت که: هر چه انسان کوچکی و فقر خود را در برابر خداوند بیشتر وجدان نماید، روح عبادت که همان اظهار تذلل و خضوع است، بیشتر و عمیق تر صدق می‌کند. حال دعا زمانی است که انسان ماهیت فقیر و گدای خود را بهتر از هر وقت دیگری می‌یابد و به همین جهت است که در برابر کسی که او را بی‌نیاز

محض می‌داند (خدای متعال) بیش از هر شرایط دیگری احساس کوچکی و خواری می‌نماید. این است که می‌توانیم یک پایه و جدانی برای فرمایش امام باقر علیه السلام که دعا را برترین عبادت دانسته‌اند، مطرح کنیم و آن را از صمیم جان بپذیریم.

نکته مهمی که تذکر آن، وجدان این مطلب را بهتر و عمیق‌تر می‌کند، این است که دعا در لغت به معنای «خواندن» می‌باشد و خواندن خداوند که نوعی عبادت به شمار می‌آید، با خواندن مخلوقات، متفاوت و بلکه متباین است. کسی که خدای خود را می‌خواند، اعتقادش این است که او همه کاره مطلق است و هیچکس در کنار او (عرض او) کاره‌ای نیست. سر رشته همه امور فقط به دست اوست و هیچ چیز و هیچکس بدون اذن او صاحب هیچ قدرت و مبدء هیچ اثری نمی‌باشد. همین اعتقاد است که خواندن خداوند را مصداق عبادت او می‌گرداند و چون در مورد هیچ مخلوقی چنین اعتقادی روانیست، پس نوع خواندن مخلوقات با خواندن خداوند، سنخیت ندارد. بنابراین خواندن مخلوقات نباید نظیر خواندن خدا باشد و اگر کسی به این مطلب اساسی توجه نکند و در مقام اعتقاد، مخلوقی را در عرض خداوند منشأ اثر بداند، در خواندن او به شرک در عبادت گرفتار می‌گردد. اما اگر در اعتقادش خطا نکند، در دعا و خواندن مخلوقات گرفتار شرک نمی‌شود.

نتیجه اینکه صرف خواندن همراه با اظهار تذلل و خضوع در مقابل دیگری، عبادت او محسوب نمی‌شود. مهم، نوع اعتقادی است که دعا کننده در مورد کسی که او را می‌خواند، در دل دارد. بنابراین خواندن

غیر خدا بدون اعتقاد به الوهیت او هیچ‌گونه محذوری ندارد و لازمه اش شرک در عبادت خدا نیست. بلکه اگر خواندن کسانی (چون اهل بیت علیهم السلام) محبوب خداوند و به دستور او باشد، خواندن ایشان - با اعتقاد صحیح در حق آنان - مصداقی از عبادت خداوند محسوب می‌گردد.

سؤال به همراه دعا

نکته دیگری که توجه به آن در شناخت عمیق‌تر دعا مؤثر می‌باشد، این حقیقت است که دعای پروردگار معمولاً با «سؤال» از او همراه است. سؤال یعنی درخواست و تقاضا. کسی که خدای خود را می‌خواند در اغلب موارد، خواندنش را با تقاضا و درخواستی از او قرین می‌کند. سؤال از پروردگار هم با سؤال از دیگران (مخلوقات) متفاوت است. سؤال ما از او به معنای درخواست کسی است که از خود هیچ ندارد، از کسی که همه چیز فقط به دست اوست. این گونه درخواست منحصر به ذات مقدس الهی است؛ چون نسبت به دیگران، اعتقادی که بیان شد، روا نمی‌باشد.

به همین جهت سؤال از خدای متعال نوعی عبادت و بلکه افضل عبادات به شمار آمده، همان‌طور که دعای نیز «افضل العبادة» دانسته شده است. سدید می‌گوید از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم:

أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ؟

ایشان فرمودند:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَ

يُطْلَبُ مِمَّا عِنْدَهُ^۱

هیچ چیز نزد خدای عزّ و جل با فضیلت تر از این نیست که از او سؤال شود و از آنچه نزد اوست، خواسته شود. می بینیم که همان تعبیری که در فضیلت دعا بیان شده، در خصوص سؤال و درخواست از خداوند نیز به کار رفته است. این امر نشانگر همدوش بودن دعا و سؤال در عمل و در فضیلت می باشد. به هر حال کلمه «دعا» بیشتر در مواردی به کار می رود که نوعی سؤال و درخواست از خدای متعال هم در ضمن آن وجود دارد، اما گاهی هم دعا با سؤال همراه نیست و این هم خود مصداقی از عبادت به شمار می آید.

درس دوم: فضیلت دعا

محبوب ترین و مبعوض ترین عمل

دعا (خواندن خداوند) - چه همراه با سؤال از او و چه بدون سؤال - بهترین نماد و شکل اظهار غایت و منتهای خضوع است و می توانیم آن را با فضیلت ترین و محبوب ترین عبادت بدانیم. امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از جدّ شریفشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ^۱

محبوب ترین اعمال نزد خدای عزّ و جل در زمین، دعاست. در مقابل، کسی که از انجام این محبوب ترین عمل، استکبار ورزد، مبعوض ترین خلق نزد خداوند به حساب می آید. این گونه استکبار هم در برابر دعا و هم نسبت به سؤال از پروردگار متعال مورد مذمت قرار گرفته است.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ...، ح ۲.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء ...، ح ۸.